

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ریشه یابی باورها در
فرهنگ بهبهانی

محقق و پژوهشگر:

فرخنده نشاتی

بدید اورنده: نشاتی، فرخنده

عنوان: ریشه یابی باورها در فرهنگ بهبهانی

تکرار نام بدید آور: محقق و پژوهشگر فرخنده نشاتی

مشخصات نشر: قم، ظهور، ۱۳۹۲

مشخصات ظاهری: ۳۲۸ص

بهاء: ۷۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه: ص ۳۲۷-۳۲۸

موضوع: فرهنگ عامه - ایران - بهبهان

موضوع: بهبهان، خرافات

موضوع: بهبهان، آداب و رسوم و زندگی اجتماعی

موضوع: بهبهان، زندگی فرهنگی

رده کنگره: ۱۳۹۲، ۹۰/۲۹ GR

رده دیویی: ۳۹۸/۰۹۵۵۲۲

شماره مدرک: ۳۱۱۲۷۲۶

شابک: 978-964-7598-36-5 ISBN

نام کتاب.....ریشه یابی باورها در فرهنگ بهبهانی

نوشتهفرخنده نشاتی

ناشر.....انتشارات ظهور

طرح جلد.....مدن راستی بهبهانی

تیراژ.....۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپاول / ای ماه ۹۲

چاپخانهقدس

قیمت.....۷۰۰۰ تومان

شابک۹۷۸-۹۶۴-۷۵۹۰-۳۶-۵

مرکز پخش: قم، میدان معلم، کوچه ۲۲، پلاک ۲۲/۳

تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۱۲۴۹ تلفکس: ۰۲۵-۳۲۹۱۶۵۱۹

همراه: ۰۹۱۲۱۵۲۰۰۱۷

«مقدمه»

«بسم الله الرحمن الرحيم»

«وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَخِلَافِ السِّنِّتِكُمْ وَآلَوَانِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ». «یکی از نشانه های قدرت الهی، خلقت آسمان ها و زمین است و یکی دیگر اختلاف زبان و رنگ های شما آدمیان که در این امور نیز ادله ی صنع و حکمت حق برای دانشمندان آشکار است.» (س روم/ ی ۲۲)

در فرهنگ هر شهر، دیار و خورده فرهنگ هایی وجود دارد که با فرهنگ سنتی آن دیار متناسب است و تمامی مردم آن زندگی بشر از لحظه ی تولد تا مرگ او را دربرمی گیرد. امروز در اصطلاح ادبی به مجموعه ی آن خورده فرهنگ ها، «فولکلور» می گویند که در پژوهش های ادبی برای خود جایی باز کرده است. شاید در مواردی از این درخت ریشه دار به مرور زمان شاخ و برگ ریخته باشد اما اصل و ریشه ی آن هنوز در باغ باورها با برجاست و چه بسا در گوشه و کناری ریشه ای جدید هم دهانیده باشد. البته، این خورده فرهنگ های باقی مانده در باور مردم یا پایه و اساس علمی دارند (با گذر زمان جنبه ی علمی بودن آن ها ثابت شده) یا این که می توانند از خرافات نشأت گرفته و پایه ی علمی نداشته باشند. هرچند، در بیشتر موارد، خورده فرهنگ های مشابه میان اقوام و ملل گوناگون که بعضاً مبنای علمی آن ها امروزه ثابت شده بی تأثیر با ادیان الهی نبوده اما، لازم به توضیح است که ارتباط مردم با این فرهنگ های دینی تا آن جا می تواند قوی باشد که از طریق فرهنگ سنتی بتوان به حفظ دستاوردهای دینی هم کمک کرد. چرا که، یکی از وظیفه ی اصلی ما، گسترش فرهنگ دینی و زدودن خرافات از آینه ی چهره ی این فرهنگ است. چون، در پرتو چنین فرهنگی است که

انسان می تواند به رشد، تعالی و کمال اصیل دست یابد. اگر چه، گاهی تداخل این فرهنگ با فرهنگ سنتی با بدعت همراه شده و همراهی این بدعت ها موجب بروز خرافه و گسترش آن می شود و حتی، گاهی ارزش ها را به ضد ارزش تبدیل می کند. مثلاً بارها و بارها ما در موقع شنیدن عطسه، کار خود را تعطیل کرده و به دنبال کار خود نمی رویم در حالی که بر طبق تعالیم اسلامی، شنونده ی عطسه بگوید: «یرحمکم الله» و عطسه کننده هم بگوید: «غفرکم الله» یا خود عطسه کننده صلوات بفرستد. پس، عطسه کردن موجب یاد خدا می شود و این دستور، بار معنایی مثبت دارد اما، مردم با روی آوردن به باوری غیرواقعی و گاهی خرافی، با شنیدن عطسه کار خود را متوقف می کنند. عوامل اهداف جامعه می تواند ریشه در جهل و نادانی و هم چنین امور خرافی داشته باشد و با توجه به این عوامل، باز ریشه در ناشناخته های دستورات اصیل اسلامی و قرآن دارد و گاهی بدعت گران با توجه به جهل مردم عمداً سعی در بسط و گسترش این خرافات داشته اند و سعی آما، رسیدن به مقاصد شوم خود و تأمین منافع شخصی از این راه است. اگر چه، بروز خرافات در جوامع ابتدایی شاید به علت ترس از مرگ یا ترس از عوامل طبیعی مانند باد، باران، طوفان، زلزله، بیماری و ... بود چون انسان اولیه گاهی در چاره اندیشی و درمان یا مبارزه با آنها با شکست مواجه می شد پس، آن ها را به صورت نیروهای مافوق و برتر محسوب می کرد. یعنی، درواقع، در گذشته های بسیار دور انسان ها، نمی توانستند از راه علم، دلایل معقولی برای بروز حوادث ناخوشایند طبیعی بیان کنند یعنی؛ توجیه علمی نداشتند، پس، به اعتقادات خرافی گرایش پیدا کردند تا بتوانند خود را از اضطراب و نگرانی نجات دهند و هم این که آرامش خاطر پیدا کنند. یعنی؛ برای رویا رویی با حوادث طبیعی، بیش تر به عالم خیال پناه می بردند. و برای حوادث واقع شده دلایلی تخیلی بیان می کردند. بعدها به یکی از زیر شاخه های خرافه یعنی؛ «فال»، پناه بردند. یعنی؛ از کس دیگر یا چیز دیگر برای علت حادثه یا پیش بینی نتیجه، کمک خواستند. هنوز هم فال و فال گیری بین

انسان ها رواج دارد. فال به صورت مراجعه به افرادی به نام فال گیر انجام می شود یا خود فرد از روی نشانه هایی می تواند نتیجه گیری کند که اگر فال زدن به خیر باشد به آن «تفال» گویند و اگر شر باشد «تطیر» می خوانند. فال زدن، یعنی؛ از روی دیدن نشانه و قرینه هایی حدس بزنیم که در آینده ی نزدیک چه اتفاقی می افتد و در بسیاری از موارد هم این حدس زدن ها موثر واقع می شود و آنچه انتظارش را دارند پیش می آید. چه خیر باشد، چه شر، چیزی که هست فال بد زدن موثرتر از فال خیر زدن است. در سفینه البحار از حضرت صادق (ع) نقل شده که پیامبر (ص) فرمودند: «از امت من نه چیز برداشته شده، و با ارتکاب این نه عمل برای آن ها مسئولیتی نیست که یکی از آن نه چیز بهره است و آن، عبارت است از آن که به واسطه ی چیز غیر مترقبه انسان مثل بهیله بازی، مثل آن که مثلاً طرف عصر در خانه، مرغی بخواند یا آن که میهمانی دیروقت وارد منزل شود یا این که مثلاً حیوانی بچه ای بیاورد که در پیشانی او نقطه ی سفیدی باشد یا فک آن حیوان سفید باشد و امثال این خرافاتی که ما بین عوام رایج است و هم چنین، همان مرغی از قول امام جعفر صادق نقل کرده که فرمودند: «الطیره علی ما تجعلها إن هوتها تهوت و إن شکتها تشدّت و إن لم تجعلها شیئاً لم یکن شیئاً» یعنی؛ تطیر بر آن به نحوی است که اگر اقرار می دهید اگر آن را امری کوچک و ناچیز فرض کنید، ناچیز و بدون اثر می شود و اگر آن را سخت و با اهمیت ملاحظه نمایید سخت و با اهمیت می شود. و اگر اصلاً به آن اعتنایی نکنید و آن را چیزی ندانید آن هم چیزی نیست و اثری ندارد.» در تاریخ نقل شده که روزی عمر در کنار جمره ی وسطی ایستاده بود شخصی که مشغول رمی جمره بود یکی از سنگ ریزه های او بر سر عمر آمد و سر او را مجروح نمود. شخصی که آن کنار بود و قضیه را ملاحظه نمود به رفیقش که در کنار او بود گفت: «مسال، عمر کشته می شود،» او سؤال کرد: «از کجا می گویی؟» گفت: «از آن جا که هر شتری از برای حج اشعار شد یعنی؛ کوهان او را، خون آلود نموده و مجروح کردند که در منی قربانی کند همان سال

باید قربانی شود و چون عمر هم صورتش در منی مجروح شد امسال کشته می شود.» و اتفاقاً چنان شد که آن مرد عرب حدس زد و در همان سال عمر کشته شد.

خرافات، به آسانی به وجود می آید اما به همان آسانی از بین نمی رود. جامعه ی عاری از خرافات وجود ندارد با آن که خرافات یک مشکل اجتماعی پنهان در تمام جوامع به شمار می آید اما، این موضوع باید به عنوان یک واقعیت (آن چه که هست) و نه یک حقیقت (آنچه که باید باشد) مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. برای داشتن جامعه ی سالم، باید به علل اساسی، زمینه ها و شرایط خرافه پروری و ظهور و دوام باورهای نادرست توجه کرد. لذا، به جای برخورد با معلول باید با علل مبارزه کرد. عقاید و باور داشت های هر قبیعی، ریشه در عمق و بطن زندگی مردم دارد. اگر با دیدی باز و تفکری ژرف به مفهوم این باورها توجه کنیم، درمی یابیم که در بسیاری از این عقاید و باورها، نکات و دستور بهداشتی، اخلاقی، مذهبی و انسانی نهفته که رعایت آن ها نه تنها مفید و لازمه ی زندگی است بلکه، در راستای غذایت مردم نیز هست. مثلاً، این نکته که اگر ظرف چینی یا بلوری شکسته شود، می گویند قسا بلا بوده، یعنی؛ خطری از فرد یا خانواده دور شده و همین دلیل، موجب آرامش فرد می شود. ایران، یکی از کشورهای است که تمدنی بسیار کهن و دیرینه و فرهنگی بسیار غنی دارد. بخشی از این فرهنگ ریشه در ادیان اولیه ی ایرانیان دارد به مرور زمان دین زردشتی و آداب و رسوم آن هم بر این فرهنگ تأثیر گزار بوده است بعدها ایرانیان با پذیرش دین اسلام، یک سری از عقاید و باورها را کنار گذاشتند. مثلاً، دیو در باور ایرانیان زردشتی و مسلمان، موجود خبیثی است در حالی که قبل از آن، یکی از موجودات مقدس محسوب می شد. اما بخشی از باورهایی که هیچ تناقضی با دین اسلام نداشت حفظ شدند، مانند: جشن های محصول، افسانه ها، ادبیات شفاهی، بعضی هم با رنگ و بوی مذهبی بین مردم باقی ماند. مثلاً، سفره ی هفت سین نوروزی مزین به کتاب قرآن و کلام آسمانی شد و زمزمه ی روح بخش دعای تحویل سال، همزمان با تحول طبیعت آرامش روحی را به

جان انسان خسته می ریزد و او را هم زمان با نو شدن طبیعت برای خانه تکانی دل آماده می کند. جشن هایی که در ارتباط با ماه شعبان برگزار می شود و روزهای مخصوصی که به آن برات می گویند (۱۵-۱۳) و آن را مرتبط می کنند با جشن مردگان، این جشن های برات هم ریشه در اعتقادات ایرانیان باستان دارد که یکی از آداب و رسوم این جشن ها، روشن کردن چراغ یا مشعل بوده است. رسم است که شب عیدها، برای درگذشتگان خیرات تدارک دیده می شود که این بخش هم به باور ایرانیان پیش از اسلام (بازگشت مردگان) اشاره دارد. نه تنها در آداب و رسوم محلی ما این تلفیق و این تأثیر دیده می شود که طبق بررسی های انجام گرفته در بین بیش تر اقوام این تأثیر دیده می شود هر چند با گذر زمان و تأثیر تکنولوژی آداب و رسوم بین بیش تر ملل و قبایل هم یکسان شده و تفاوت چندانی دیده در برگزاری آن ها دیده نمی شود. برای مثال در کتاب لارستان تألیف دکتر محمد باقر وثوقی این گونه آمده: «تأثیر فرهنگ ایران پیش از اسلام در بسیاری از آداب محلی دیده می شود. آب، درخت و نور سه عنصر مقدس در فرهنگ عامه ی لارستان به شمار می رود. احمد اقتداری نوشته است: «آداب و رسوم متعارف از قبیل آن که شب، نمک و شیر از خانه بیرون نبرند، اگر کسی پیش از غروب آفتاب در خانه ی دیگری بود باید شام را در آن خانه تناول کند، احترام به پاکی آتش و دست زدن برخاکسترگ، بارانده از آتش اجاق یا تنور در موقع ادای سوگند، آب و گلاب پاشیدن بر گور مردگان، گرمی داشتن حیوانات و درختان، تهیه ی آب بر سر جاده ها و گذرگاه ها و کوره راه ها، احترام به آسمان و بسیاری از الگوهای دیگری که در فرهنگ عامه وجود دارد در بین مردم زردشتی یزد و کرمان به زبان و لهجه ی «گبری» و در سایر نقاط ایران وجود دارد. تقریباً ترکیب باور ها و یا اثرپذیری ویژه ی ایرانیان تنها نیست در سایر کشورها به ویژه اقوامی که فرهنگ و تمدن دیرینه دارند مانند: یونان، چین، ایتالیا (رم باستان) و ... هم دیده می شود.

اعتقادات پیش از مسیحیت هم به آیین های بعد از پذیرش دین مسیح نفوذ کرده

است که جا به جا، این موارد در بین مطالب توضیح داده شده است و برای جلوگیری از اطاله کلام از آوردن آن ها در این بخش خودداری می شود. در این کتاب سعی شده درست یا نادرست بودن سنت ها در حد بضاعت مزجات بررسی شود. ذکر این نکته ضروری است که ذکر دلایل به منزله ی تأیید آن آداب و سنن نیست بلکه، بیان مطالبی است که در تحقیقات به دست آمده است. این خود سنت ها و هم چنین مردم هستند که مهر تأیید بر آن می زنند و دیده می شود که با پیشرفت تکنولوژی و علم خیلی از آداب و رسوم سنتی از بین رفته یا با رسوم دیگر مناطق، یکسان شده یا حتی، بنا به پدیده ی ناپسند چشم و هم چشمی، بدعت های جدیدی پدید آمده و گذر زمان هم به آن دامنی می زند و به بسا شعله و تر شدن دامنه ی آن بعضی زندگی ها را بسوزاند. اگر چه، از اول بنا داشته ام فقط سنت هایی را مطرح کنم که بعد از پژوهش و تحقیق، ریشه و دلیل مذهبی، علمی یا تاریخی برای آن ها پیدا کرده ام اما، خواه ناخواه در لابلای آن ها باز مواردی از سنت ها اگر شد که ریشه یابی نشده یعنی؛ موفق به پیدا کردن ریشه ی آن ها نشده ام. تقریباً سعی شده بیش تر، آداب و رسومی که در زندگی روزمره ی انسان ساری و جاری است از لحظه ی تولد تا مرگ و مراحل بین آن ها بیان شود و نکته ای نادیده گرفته نشود. نکته ی دیگر این که با ذکر واژگان در لابلای بیان مطالب می توان به حفظ آن ها کمک کرد و از مدفون شدن آن ها زیر گرد و غبار گذر زمان جلوگیری کرد. اما، باز احتیاج به کار بیش تری در این زمینه است. موضوع انتخابی، گسترده و زمان بر است، این نکته را هم باید اضافه کرد که انجام این پژوهش، کاری بس طاقت فرساست. چون با توجه به کمبود منابع موجود و هم این که همه ی کارهای تایپ، ویراستاری و نگارش را خود شخصاً انجام داده ام احتیاج به صبر و تأمل زیاد دارد. اما، اقرار می کنم هنوز جای کار بسیار دارد و خیلی از نکته ها ریشه یابی یا گفته نشده و من بنا به احساس ضرورت نیاز برای حفظ این باورها و هم زدودن غبار خرافات از باورها و شناساندن چهره ی واقعی آن ها در حد توان خود سعی کرده

ام مطالب را پی گیری کنم. چراکه، در لابلای این آداب و رسوم و شناختن حقیقت آن ها می توان فرهنگ های اصیل سنتی و مذهبی را حفظ کرد و خرافاتی را کنار نهاد که بشر، امروز هم خود به بی اساس بودن آن ها پی برده است و در این صورت باحفظ دستاورد فرهنگ غنی خود می توان در **تهاجم فرهنگی** با فرهنگ های بیگانه مقابله کرد و **مانع ورود و نفوذ** آن ها شد.

«روش آماده سازی مطالب کتاب بر مبنای حروف الفبا بوده است، لذا، شروع کتاب با واژه ی «ازدواج» و برخی سنن بازمانده از آن است و بعد از آن تولد و سپس مرگ. در واقع، بیان سه مرحله ی اساسی در زندگی هر انسانی که سرنوشت ساز و تعیین کننده ی زندگی و مستند **مرگ و تولد** که در اختیار انسان نیست، اما، در مرحله ی ازدواج، فرد می تواند با آگاهی و شعری به جاء، زندگی خوب و پر باری برای خود رقم بزند. و توضیحات داده شده در **رسالة باورها و آداب و رسوم** ذکر، با توجه به مطالعات دریافت شخصی بوده، پس، ممکن است بعضا موارد ذکر شده یا دلایل گفته شده ناقص باشند و حق مطلب را آن گونه که باید دانستند که ادامه ی این وظیفه و تکمیل آن را بر عهده ی نسل جوان، می گذارم تا با تلاش خود تمام بخش این مسیر طولانی باشند.

«فرخنده نشاتی»

دی ماه ۱۳۹۲